

آمزش الهی از دیدگاه قرآنی

روح اله صمدی *

چکیده :

بررسی آمزش الهی از دیدگاه قرآن کریم موضوع این مقاله بوده و بیان شده که مغفرت همان ستر و پوشاندن گناه بوده و از صفات فعل خداوند است. ابتدا به علل و شرایط آمزش در قرآن پرداخته و گفته شده ولایت، ربوبیت، رحمت، حکمت از صفات و اوصاف خداوند و ایمان، تقوا، توبه، انفاق از صفات بنده برای دست یابی به مغفرت است. سپس آثار و نتایج آمزش از دو بُعد دنیوی و اخروی بررسی شده که داشتن امنیت، افزایش نیرو، قطع شریان شیطان، استجاب دعا از آثار دنیوی و ورود به بهشت و رهایی از جهنم از آثار اخروی آمزش می باشد. همچنین موانع مغفرت بررسی شده و بیان گردیده که شرک، کفر، نفاق مانع آمزش انسان می باشد. در ادامه جایگاه و اهمیت آمزش خواهی بررسی شده است. در پایان به نتایج تحقیق پرداخته شده است.

واژه های کلیدی: غفر، مغفرت (آمزش)، غفران، استغفار، توبه، عفو، صفح.

مقدمه :

آمزش و مغفرت الهی، موهبتی است که نصیب هر کس نمی شود؛ زیرا آمزش خداوند آنجا محقق می شود که بنده با اعمال خویش رضایت حق تعالی را به دست آورده باشد. اگر بنده ای گناه کند، آنگاه به درگاه خدا توبه نماید و خود را اصلاح گرداند، مغفرت و آمزش خداوند را بدست می آورد. یعنی انسانی که طلب

آمزش می کند از خدایش می خواهد که وی را تحت پوشش خویش قرار دهد و چیزی را به عنوان حافظ و نگه دار در آورد تا از آسیب های احتمالی در امان قرار گیرد. بجز پیامبران و امامان (ع) که از خطا و گناه معصوم هستند سایر انسانها در طول زندگی خود دچار گناه و معصیت می شوند و آثار فردی و اجتماعی گناه با طرح آموزش الهی از سوی قرآن کریم بر طرف شده است.

• تعریف اصطلاحات و بیان مفاهیم :

• غَفَر : در کتب لغت غَفَر به معنی ستر و پوشاندن آمده است.^۱ چنانچه در استعمالات عرب گفته می شود: لباس را رنگ کن تا نسبت به چرک پوشاننده تر باشد. «واصبغ ثوبک فانه

از غفران، به معنی طلب بخشایش است. واژه استغفار به معنای درخواست مغفرت^۵ و در اصطلاح به معنای پوشش گناه^۶ از پیشگاه خداوند و هدف از آن درخواست مصونیت از آثار بد گناه و

اغفر للوسخ^۲ و کلاه را از این جهت «میغفر» می گویند که سر را پوشانده و نسبت به آسیبها برای آن مصونیت ایجاد می کند،^۳

• عَفُو: به معنای قصد گرفتن چیزی است. عفا و اعتفاء یعنی قصد گرفتن هر چه که پیش اوست نمود.^۸

مغفرت در واقع همان آموزش در زبان فارسی بوده و در اصطلاح به معنای پوشاندن و محو اثری که گناه در نفس به جای گذاشته است،^۴ می باشد. نیز به معنای بخشودن گناه بنده را مخصوصاً پس از مرگ او آمده است. • استغفار: در لغت مصدر باب استفعال

محو^{۱۰} نیز آمده است. و در اصطلاح عفو عبارت است از در گذشتن از جانی و گناهکار و مستحق عذاب را عقوبت نکردن^{۱۱} یا گذشت کردن بر کسی و ترک کردن مجازاتی را که شایسته آن است و خودداری از مواخذه ی او^{۱۲}

آیه فوق این حقیقت عقلی را تایید می‌کند که مغفرت الهی شامل کسانی خواهد شد که با پیروی از ولایت الهی به نحو احسن انجام وظیفه نمایند و اموری را که در حد توانشان بوده و خداوند از آنان خواسته به اتمام برسانند.



۲ • علل و شرایط آمرزش الهی:

علل و شرایط آمرزش الهی را به طور کلی می‌توان در دو محور جداگانه مطرح کرد:

• الف. علل و شرایط آمرزش از ناحیه

بلاغی در مورد معنای «وَ اغْفُ عَنَّا» می‌نویسد: اسقاط استحقاق عقوبت می‌باشد. العفو هو إسقاط الحق و المراد إسقاط حق العقوبة وَ اغْفِرْ لَنَا الغفران هو الصفح عن الذنب^{۱۳}

خداوند: یعنی صفات و اوصافی که خداوند وجود دارد که موجب پدید آمدن آمرزش از سوی وی می‌شود. به طور کلی این صفات اعم از صفات فعل و ذات عبارتند از:

۱ • ولایت خداوند: ولایت الهی زمینه‌ای برای آمرزش و مغفرت انسان است. هم چنان که خداوند می‌فرماید:

« رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَ اغْفُ عَنَّا وَ اغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ». (بقره، ۲۸۶)

خداوند: ربوبیت خداوند: یکی دیگر از علل و شرایط آمرزش گناهان از ناحیه خدا، ربوبیت اوست در واقع این ویژگی در خداوند باعث شده که گناهان بندگان را مورد غفران و اغماض قرار دهد. اینکه انسان باور کند خداوند همان پروردگاری است که همه هستی را مدیریت و تدبیر می‌کند تا هر موجودی با توجه به ظرفیتها و استعدادهای خویش به مقام شایسته و بایسته خویش دست یابد و اینکه



خداوند هیچ چیز را نادیده نمی گیرد و از کوچک و بزرگ و خرد و کلان آگاه است و هیچ امری بیرون از اذن و مشیت او اتفاق نمی افتد. بنابراین همان ربوبیت خداوند است که برای رهایی بشر از تبعات و آثار گناه به یاری او می شتابد و با پذیرش آموزش خواهی وی می کوشد تا او را در مسیر

کمالی قرار دهد و آثار گناه را از وی و پیرامونش بزداید. قرآن کریم در این

باره از زبان حضرت آدم و حوا (ع) می فرماید: «فَلَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ

تَغْفِرْ لَنَا وَ تَرْحَمْنَا لَنَكُونُنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (اعراف: ۲۳)

بغدادی در تفسیرش در ذیل آیه فوق چنین می نویسد: «وَ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا

یعنی و آنت یا ربنا إن لم تستر علينا ذنبنا وَ تَرْحَمْنَا یعنی و تتفضل علينا

برحمتک لَنَكُونُنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ یعنی من الهالکین».^{۱۱}

۳۰ • رحمت خداوند: یکی از ابواب رحمت الهی، وعده مغفرت است و در جای جای قرآن این وعده به چشم

می خورد. حتی در بسیاری از آیات خداوند خود را غفور معرفی کرده تا به انسان یاد آور شود که اگر گناهی مرتکب شوند نومید از رحمت الهی نشوند.

«قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (زمر: ۵۳)

مرحوم علامه در مورد جمله «لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ» چنین می گوید:

قنوط به معنای نومیدی است و مراد از رحمت در آیه مورد بحث به

قرینه اینکه خطاب و دعوت در آن به گناهکاران است، رحمت مربوط به

آخرت است، نه رحمت اعم از دنیا و آخرت و این هم معلوم است که از

شؤون رحمت آخرت آن قسمت که مورد احتیاج مستقیم و بلاواسطه

گناهکاران است همانا مغفرت خداست پس می توان گفت مراد از رحمت در

اینجا مغفرت است و به همین جهت نهی از نومیدی را با جمله «إِنَّ اللَّهَ

يَعْفِرُ الذَّنُوبَ جَمِيعًا» تعلیل آورد. و هم اعلام می دارد که تمامی گناهان قابل آمرزشند پس مغفرت خدا عام است لیکن آمرزش گناهان هر کسی سبب می خواهد و آنچه قرآن سبب مغفرت معرفی فرموده دو چیز است یکی شفاعت و دیگری توبه^{۱۵}. رحمت پروردگار متعال از آثار صفات ذاتی او است، و وجود این صفت در خداوند باعث آمرزش گناهان بندگان از ناحیه وی تلقی شده است.

۴ • حکمت الهی : چون خداوند حکیم است یعنی کار لغوی و بیهوده انجام نمی دهد و از طرفی عذاب و آمرزش گناه و ... بدست خداست و قهر و مهر خداوند بر اساس عزت و حکمت است، و نیز قدرت و حکمت خداوندی مافوق ندارد. پس خداوند می تواند از روی حکمت خود گناهکار را عذاب کند و دچار نعمت نماید، و هم می تواند فرد گناهکار را با حکمت خود بیامرزد و شامل مغفرت خود قرار دهد.

در مورد اینکه چگونه حکمت خداوندی عاملی برای آمرزش مشرکان و کفار است نظرات مختلفی را مفسران بیان نمودند که بعد از بیان آیه چند نمونه از آنها را ذکر می کنیم (اِنْ تَعَدَّيْتُمْ فَاِنَّهُمْ فَاِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَ اِنْ تَعْفَرَ لَهُمْ فَاِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ). (مانده/۱۱۸)

در تفسیر کوثر ذیل آیه چنین آمده است که: این آیات گفتگویی است میان خدا و عیسی که در روز قیامت انجام خواهد گرفت و اینکه آیه به صورتی است که گویا این گفتگو در گذشته انجام گرفته، از آن جهت است که قرآن کریم وقوع قیامت را حتمی می داند بدان حد که گویا قیامت واقع شده است و لذا در آیات بسیاری وقتی راجع به قیامت سخن می گوید از فعل های ماضی که دلالت بر گذشته می کند استفاده می کند. در این گفتگو خداوند به عیسی (ع) می فرماید: ای عیسی آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را علاوه بر



خدا دو معبود برگزید یعنی آنها را پرستش کنید؟ عیسی در پاسخ، آن را انکار می کند. خدا بهتر می داند که عیسی چنین نگفته است و این پرسش و پاسخ برای آن است که حجت بر آن گروه از مسیحیان که عیسی و مادرش را پرستش می کردند تمام شود^{۱۶}

• ب. زمینه ها و شرایط آمرزش از

ناحیه بنده :

یعنی انجام آنچه از سوی بنده آمرزش الهی را در پی می آورد. که این شرایط از ابعاد گوناگون از قبیل اعتقادی، اخلاقی و رفتاری قابل بررسی می باشند و به طور کلی این زمینه ها و شرایط اعم از اعتقادی، اخلاقی و رفتاری عبارتند از:

۱ • ایمان و عمل صالح موجب آمرزش و مغفرت : همواره در اکثر آیات قرآن هر جا سخن از ایمان و عمل صالح به میان آمده بعد از آن واژه ی مغفرت آمده و این می رساند که یکی از علل و شرایط آمرزش

گناهان داشتن ایمان و انجام عمل صالح است، قرآن در این باره می فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ». (محمد/۲)

مرحوم علامه طباطبایی در مورد جمله «كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ»

می گوید: خداوند با عفو و مغفرت خود پرده ای بر روی گناهانشان و خطاهایشان می کشد، و هم در دنیا و هم در آخرت دلهایشان را اصلاح می کند، اما در دنیا برای اینکه دین حق دینی است که با آنچه فطرت انسانی اقتضایش را دارد موافق است و احکامش مطابق همان فطرتی است که خدای تعالی بشر را بر آن فطرت آفریده، و فطرت اقتضاء ندارد و نمی طلبد مگر چیزی را که کمال و سعادت انسان در آن است و ایمان به آنچه خدا نازل کرده و عمل به آن وضع انسان را در مجتمع دنیایی اش اصلاح می کند و اما در آخرت، عاقبت همین زندگی

دنيا است، وقتی آغاز زندگی توأم با سعادت باشد، انجامش نیز سعید خواهد بود.^{۱۷} ولی سیوطی «أَصْلَحَ بِالْهَمِّ» را علاوه بر موارد فوق به «أصلح شأنهم» تفسیر کرده است.^{۱۸} همچنین آیه دیگری که ایمان را کنار عمل صالح به عنوان سبب آمرزش گناهان ذکر نموده، آیه ذیل است: «وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرٌ عَظِيمٌ». (مانده/۹)

لألودغيتها پاک نماید و همچنین انسان را در قیامت از ورود به جهنم دور می‌کند و سبب غفران گناهان وی می‌گردد. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ».

(انفال/۲۹)

تقوا مهمترین عامل مصون ماندن انسان از گناهان است و همین عامل خود زمینه را برای آمرزش گناهان از طرف خداوند مهیا می‌نماید، بطوری

که اگر فرد تقوا پیشه نماید هم در دنیا توفیق پاک ماندن از گناهان را پیدا می‌کند و هم در آخرت مشمول غفران الهی واقع می‌شود.

۲. تقوا: یکی دیگر از علل و شرایط آمرزش الهی، رعایت تقوا می‌باشد، خداوند در طبیعت آدمی هم زمینه

ارتکاب فجور و هم زمینه کسب تقوا را به ودیعه نهاده و تنها آن کس را اهل فلاح و رستگاری دانسته است که راه تقوا را برگزیده و بدین وسیله غفران خود را فراهم نماید. نماز و روزه و بقیه واجبات است که تقوا را در انسان شکل می‌دهد و او را در زمره ی پارسایان قرار می‌دهد. در واقع داشتن تقوا باعث می‌شود انسان نفس خود را از

۳. توبه از گناهان: مغفرت و آمرزش گناه، از نعمتهای بزرگ الهی برای انسان است. مغفرت الهی موجب می‌شود که گناه و اثرات آن از زندگی دنیوی و اخروی انسان پاک شوند.

۳۰. توبه از گناهان: مغفرت و آمرزش گناه، از نعمتهای بزرگ الهی برای انسان است. مغفرت الهی موجب می‌شود که گناه و اثرات آن از زندگی دنیوی و اخروی انسان پاک شوند.

۳۰. توبه از گناهان: مغفرت و آمرزش گناه، از نعمتهای بزرگ الهی برای انسان است. مغفرت الهی موجب می‌شود که گناه و اثرات آن از زندگی دنیوی و اخروی انسان پاک شوند.

۳۰. توبه از گناهان: مغفرت و آمرزش گناه، از نعمتهای بزرگ الهی برای انسان است. مغفرت الهی موجب می‌شود که گناه و اثرات آن از زندگی دنیوی و اخروی انسان پاک شوند.

۳۰. توبه از گناهان: مغفرت و آمرزش گناه، از نعمتهای بزرگ الهی برای انسان است. مغفرت الهی موجب می‌شود که گناه و اثرات آن از زندگی دنیوی و اخروی انسان پاک شوند.

۳۰. توبه از گناهان: مغفرت و آمرزش گناه، از نعمتهای بزرگ الهی برای انسان است. مغفرت الهی موجب می‌شود که گناه و اثرات آن از زندگی دنیوی و اخروی انسان پاک شوند.

۳۰. توبه از گناهان: مغفرت و آمرزش گناه، از نعمتهای بزرگ الهی برای انسان است. مغفرت الهی موجب می‌شود که گناه و اثرات آن از زندگی دنیوی و اخروی انسان پاک شوند.

۳۰. توبه از گناهان: مغفرت و آمرزش گناه، از نعمتهای بزرگ الهی برای انسان است. مغفرت الهی موجب می‌شود که گناه و اثرات آن از زندگی دنیوی و اخروی انسان پاک شوند.

۳۰. توبه از گناهان: مغفرت و آمرزش گناه، از نعمتهای بزرگ الهی برای انسان است. مغفرت الهی موجب می‌شود که گناه و اثرات آن از زندگی دنیوی و اخروی انسان پاک شوند.

۳۰. توبه از گناهان: مغفرت و آمرزش گناه، از نعمتهای بزرگ الهی برای انسان است. مغفرت الهی موجب می‌شود که گناه و اثرات آن از زندگی دنیوی و اخروی انسان پاک شوند.



مغفرت موجب پاکی و طهارت قلب و درون آدمی می شود و در نتیجه راه را برای حرکت به سوی کمالات و خیرات باز می کند. و اساساً می توان گفت که مغفرت به توبه معنا و فایده می بخشد چه اینکه اگر مغفرت الهی نبود توبه کردن چه سودی داشت؟ انسان با توبه کردن می خواهد از گذشته خود به سوی خداوند باز گردد اما اگر قرار باشد گذشته هم چنان باقی بماند مگر می توان به سوی خدا حرکت کرد؟ بنابراین، ملاحظه می کنیم که همان خدایی که امر به توبه نموده و انسان را به سوی آن تشویق کرده است، غفور بودن خود را هم تذکر داده تا انسان بداند با توبه می تواند گناهان خود را پاک کند. آمرزش از طرف خداوند در حقیقت نتیجه توبه از طرف عبد و پذیرش آن است.

از آنجا که انسان همواره در معرض گناهان و وسوسه های شیطانی قرار دارد و گاه در اثر غفلت ممکن است

دچار لغزش و خطا شود، توجه به خدا و توبه به درگاه الهی نقش مهمی در جبران آلودگیها دارد. قرآن در این باره می فرماید: «الذین عموا السیئات ثم

توبوا لیس بعد ما رأوا آفاتهم منا

توبوا بعد ما رأوا آفاتهم منا (اعراف ۱۵۳)

«و کسانی که گناهان خود را از روی غفلت و اشتباهات و انفاق یکی از علل و شرایط آمرزش و مغفرت گناهان است. قرآن کریم با تعبیر گوناگونی انسان های مومن و پرهیزگار را به انفاق و رسیدگی به امور انسان های فقیر و مستضعف، توصیه و سفارش نموده است. چنانچه می فرماید:

«الذین یاتون رسولنا و یقولون سماعنا

سماعتنا و یقولون سماعنا سماعنا

سماعتنا سماعنا سماعنا سماعنا (سجده ۷)

انفاق در راه خدا و رسیدگی به امور نیازمندان جامعه، آثار و برکات فراوانی را به همراه دارد که مهمترین و بارزترین آن آمرزش گناهان است. همه ی انسانها بجز انبیاء و اولیای الهی در



زلزله و سیل، و و مرگ های ناگهانی، معلول گناهان و طغیان بشر است و یکی از عواملی که نقش بسزایی در رفع این بلاها و نیز عذاب اخروی دارد، طلب مغفرت است. براساس آیه «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (انفال/۳۳) تا زمانی که مردم اهل آمرزش خواهی باشند، خداوند آنها را عذاب نخواهد کرد.

مرحوم علامه طباطبایی در این باره می فرماید: «منظور از عذاب که در آیه نفی شده عذاب آسمانی موجب استیصال است، که این امت را مانند عذاب سایر امم شامل می شود و خداوند سبحان در این آیه چنین عذاب را از این امت مادام که رسول خدا (ص) زنده و در میان آنان است و هم چنین بعد از درگذشت آن جناب مادام که امت استغفار کنند نفی کرده است. و از جمله «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قَضِيَ بَيْنَهُمُ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (یونس/۴۷) تا آخر آیات بر می آید که برای این امت در

زندگی خود دچار لغزش شده و گناهان کوچک و بزرگی را مرتکب می شوند، از جمله ابزاری که باعث می شود انسان آثار گناه و خطاهایش از بین برود، حتی آن را تبدیل به حسنات نماید، انفاق و بخشش در حق بندگان خدا و خدمت به مخلوقات الهی است همان طور که قرآن می فرماید: «وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ» (مانده /۱۲)

۳. آثار و نتایج آمرزش الهی :
آثار و نتایج آمرزش را به طور کلی از دو دیدگاه می توان مورد بحث و بررسی قرار داد:

- الف. آثار و نتایج دنیوی آمرزش الهی : یعنی آمرزش الهی در همین دنیا دارای آثاری است که مشمول انسان هایی خواهد شد که قبلا شرایط و زمینه های آن را کسب کرده باشند.
- ۱. داشتن امنیت، و رفع عذاب: گناه و معصیت به طور یقین عذاب الهی را در دنیا و آخرت به دنبال دارد و بسیاری از بلاهای آسمان از جمله

آینده روزگاری است که آموزش خواهی از آنان منقطع گشته و دیگر مومنی خدا ترس که طلب مغفرت کند نمی ماند و در چنان روزگاری خداوند آنان را عذاب می کند.^{۱۹}

پس اگر مغفرت طلبی از خلوص نیت و از صمیم دل باشد زمینه را برای توجه خاص و آموزش و صرف نظر از خطاها و گناهان، آماده کرده و بطور مسلم

مانع از ابتلاء و عذاب عمومی و خصوصی می شود. در نتیجه می توان گفت مهمترین اثر مغفرت طلبی و آموزش خواهی، همان داشتن امنیت و دفع عذاب و بلا می باشد.

۲۰. افزایش قوت و نیرو: وقتی که خدا در قرآن از سرگذشت قوم عاد و پیامبر آنها حضرت هود(ع) سخن می گوید، از زبان پیامبرشان می فرماید:

«وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ» (هود/۵۲)

در این آیه تصریح شده که ایمان و تقوا و بازگشت به سوی خدا و آموزش خواستن از او موجب نیروی انسان می شود. نیروی جسمانی انسان با بهره گیری از نیروی معنوی افزایش می یابد و با این پشتوانه ی قوی می توان اجتماعی آباد و جمعیتی انبوه و اقتصادی سالم و ملتی پرقدرت و مستقل داشت.

۳۰. قطع شریان شیطان: خداوند متعال در قرآن کریم در آیات متعددی بطور وضوح و آشکار برای بشر، شیطان و برنامه های انحرافی او را معرفی کرده است و به طور مؤکد خطاب به انسانها

سفارش فرموده که از شیطان تبعیت نکنید چون شیطان دشمن آشکاری است برای شما و شما را از راه مستقیم الهی منحرف می کند. قرآن مجید شیطان را اینگونه معرفی می فرماید:

«إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ». (مانده/۹۱) و در جای دیگر می فرماید: «وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا» (نساء/۶۰) و در

جای دیگر می فرماید: «يَعِذُّهُمْ وَيَمْسِيهِمْ وَمَا يَعِذُّهُمْ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا» (اولینک ماواهم جهنم ولا یجدون غنھا محینما) (سوره آیات ۱۲۱ و ۱۲۰)

به هر حال انسان عاقل باید این هشدارها را جدی بگیرد و خودش را از دامهای شیطان نجات بدهد، و راه نجات از شیطان و وسوسه های آن هم در آیات قرآن آمده است که بهترین راه خلاصی از شیطان آموزش خواهی است. مغفرت طلبی شریان حیاتی شیطان را قطع می کند و دژ محکمی است در مقابل تحرکات توطئه آمیز او. و همان طوری که در روایت فوق آمده موجب می شود که شیطان و وسوسه های شیطانی فرسنگها از فردی که مغفرت می طلبد فاصله بگیرد. چون شیطان به عنوان دشمن دیرینه و قسم خورده انسان لحظه ای از وسوسه و برنامه ریزی در جهت گمراهی انسان باز نمی ماند. بنابراین مسلح شدن به سلاح مبارزه و فرا گرفتن راههای در امان ماندن از شر او، باید همواره مورد

توجه انسان باشد.
۴ * استجابت دعا:

همان طوری که گناه مانع استجابت دعا می شود، در مقابل آن آموزش گناهان، دعای انسان را در معرض استجابت قرار می دهد. آیات قرآنی فراوانی مؤید این ادعا می باشند از جمله آیه: «فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ» (هود/۶۱) اگر ما در آیه فوق به دقت تأمل کنیم و همچنین با دقت نظر در آیه «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ» (بقره/۱۸۶) تعمق کنیم در می یابیم آیه اولی می گوید: «إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ» و آیه دومی هم می گوید: «فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ» در حقیقت معنی واحدی دارند و رابط بین عبارت

«فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ» و عبارت «إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ» همان طلب مغفرت است. یعنی آموزش خواهی طریقی است برای استجابت دعا و کآن معنی عبارت می شود که «فَاسْتَغْفِرُوهُ

تجب دعوانکم».

در مساله اجابت دعا نیز آموزش خواهی نقش زمینه ساز را بازی می کند. کسی که بخواهد دعاهايش در معرض استجابت قرار گیرد می بایست از آموزش به عنوان بستر اجابت بهره گیرد.

• ب. آثار و پیامدهای اخروی آموزش الهی :

برخی دیگر از آثار آموزش الهی مخصوص این دنیا نبوده و در آخرت تحقق می یابد که این امر مستلزم آن است که انسان در دنیا شرایط آن را مهیا نماید تا در آخرت از آن بهره مند گردد. به طور کلی این آثار عبارتند از: ورود به بهشت و رهایی از آتش جهنم ثمره ی آموزش الهی : یکی از مهمترین آثار اخروی آموزش الهی، ورود به بهشت و رهایی از آتش جهنم می باشد. قرآن کریم هم به این مطلب تصریح کرده و از زبان گروهی از جن وقتی که بسوی قوم خود بازگشتند و آنها را به اسلام دعوت کردند

می فرماید: «یا قَوْمَنَا أَجِیْبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ یَغْفِرَ لَکُمْ مِنْ ذُنُوبِکُمْ وَیَجْرِمَکُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِیْمٍ». (احقاف/۳۱)

اجابت کردن داعی الله با استغفار و آموزش از خداوند غفار برای افکار و عقاید شرک آلود گذشته می باشد که در نتیجه بخشش گناه و نجات از آتش جهنم را به دنبال خواهد داشت. نه تنها استغفار سبب می شود که مستغفرین از آتش جهنم نجات پیدا کنند بلکه موجب می شود که آنها وارد بهشت برین الهی شوند، قرآن به صراحت می فرماید: «أُولَئِكَ

جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنَبِّئِمْ أَجْرَ الْعَامِلِينَ». (ال عمران/۱۳۵ و ۱۳۶)

۴. موانع آموزش الهی :

به طور کلی می توان موانع آموزش در موارد ذیل خلاصه کرد: شرک، نفاق، کفر.

۱. شرک : شرک گناهی است غیر قابل عفو و بخشش و هیچ گناهی بالاتر از آن متصور نیست. شرک از جمله

برای این است که اگر مغفرت او موافق حکمت و مصلحت و حسن است البته می آمرزد و اگر بر خلاف حسن و قابل تفضل نیست نمی آمرزد و محقق است که مومن اگر با ایمان از دنیا برود مورد مغفرت و تفضل و شفاعت خواهد بود و عمده خطر معاصی این است که باعث سلب ایمان شود.^{۲۰}

می توان گفت شرک تنها گناهی است که امید عفو و آمرزش آن نمی رود مگر اینکه مشرک قبل از مرگ خود توبه و استغفار کند و در حال شرک از دنیا نرود. چون مشرکان دشمنان خداوند هستند و شرک و عناد با روح و روان آنان عجین شده و تا آخرین لحظات زندگی بر آن اصرار نموده و پیوسته اندیشه و سعی آنان مبارزه با دعوت رسول اکرم و رواج بت پرستی بوده است. به همین خاطر مستحق عذاب و عقاب هستند و کسی حق ندارد حتی پیامبر برای آنان طلب آمرزش نماید. چنانچه قرآن کریم در این باره می فرماید: «مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ

بزرگترین گناهدانی است که هرگز مورد غفران الهی واقع نخواهد شد و اگر کسی مرتکب آن شود عواقب بسیار بد و ناگواری در آخرت نصیب ایشان خواهد شد. قرآن کریم در این زمینه می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونِ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا». (نساء/۱۱۶)

عبدالحسین طیب در ذیل آیه مذکور چنین می نویسد: «جمله «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ» مسلماً در موردی است که مشرک تائب نشود و با حال شرک از دنیا برود زیرا اگر تائب شد و دست از شرک برداشت مسلماً مورد مغفرت الهی است پس جمله «وَيَغْفِرُ مَا دُونِ ذَلِكَ» غیر مشرک هر که باشد و هر چه باشد مورد مغفرت هست ولو بی توبه از دنیا برود غایه الامر کسانی که در حکم مشرک هستند از ارباب ضلالت و مخالفین ائمه اطهار حکم مشرک را دارند در عدم قابلیت مغفرت، «لِمَنْ يَشَاءُ» تعلیق بر مشیت

يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ» (توبه/۱۱۳)

۲. کفر: یکی از گناهایی که اثر بسیار ناپسندی در سرنوشت انسان دارد کفر ورزیدن به خدا و رسولش می باشد. قرآن کریم این گناه را سبب از بین رفتن سایر اعمال انسان گناهکار معرفی کرده و از آن به عنوان حبط عمل یاد می کند. قرآن کریم در مورد کسانی که به خدا و پیامبر کافر شدند می فرماید: «اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (توبه/۸۰)

۳. نفاق: یکی دیگر از موانع آموزش الهی، نفاق و دورویی است. منافقان خطرناکترین دشمنان هستند از این رو قرآن کریم اهتمام زیادی به شناساندن چهره ی منافقان و معرفی ویژگیهای آنها داشته و به افشای شگردهای منافقین و تبیین راههای مقابله با آنها

پرداخته است. از این رو خداوند هرگز منافقین را مورد غفران خویش قرار نداده و دعاهایشان را مستجاب نخواهد کرد. و آموزش طلبی برای آنان بی فایده است، چنانچه قرآن کریم بعد از ذکر ویژگیهای منافقان، خطاب به پیامبر(ص) می فرماید: «سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (منافقون/۶) شبیه به همین مضمون در جای دیگر می فرماید:

«اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ» (توبه / ۸۰)

۵. آموزش خواهی:

مسئله استغفار در آموزه های قرآنی به عنوان یکی از مهمترین علل و عوامل بازدارنده از عذاب های دنیوی و اخروی مطرح می شود حتی به پیامبر گرامی (ص) دستور و سفارش شده است که مغفرت طلبی را به عنوان یک اصل همواره تکرار کند و مورد توجه قرار دهد.



۱. اهمیت و ارزش آموزش خواهی

گناهان در زندگی دنیوی و اخروی انسان اثرات بسیار زیانباری دارند. می‌توان گناه را آفت درخت زندگی انسان دانست، هم چنان که در درختان و گیاهان، آفت‌ها مانع طراوت و سلامت و ثمردهی است، در مورد انسان نیز گناهان مانع رسیدن انسان به سعادت و آرامش زندگی سالم و پر ثمر است به همین علت است که پیشوایان دینی ما بعد از ایمان به خدا، پرهیز جدی از گناهان را بیش از هر چیز دیگر توصیه کرده‌اند. اما از آنجا که انسانها معصوم از خطا و اشتباه نیستند بنابراین لازم است در صورت ارتکاب عمل سو که از سر جهالت از آنان سر زده بلافاصله استغفار نمایند تا شاید مورد مغفرت الهی واقع شوند، اینجاست که ارزش و اهمیت استغفار و آموزش خواهی برای افراد مشخص می‌شود.

۲. لزوم آموزش خواهی

در بیان بر لزوم آموزش خواهی برای همگان باید گفت: اولاً انسان در اثر

غفلت و نادانی و یا غالب شدن غرایز حیوانی و هوای نفس بر قوه عقلانی، آلوده به گناه می‌شود اینجاست که انسان گناهکار باید بی‌درنگ خود را با طلب آموزش در معرض رحمت بیکران الهی قرار دهد و روح آلوده به گناه خویش را پاک گرداند تا از آثار سوء و زشت گناه در امان بماند و به مجازات و عقوبت‌های الهی دچار نشود

«وَمَا يَكْفُرُ الْإِنْسَانُ لِمَا هُوَ بِشَاكِرٍ» (انفال/۳۲) و در آیه

دیگر قرآن کریم با توجه دادن به صفت بخشیدگی فراوان خدا همه را تشویق به توبه و طلب مغفرت کرده

است و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

تُوبُوا إِلَى اللَّهِ ذُنُوبَكُمْ وَأَنبِئُوا بِهِ

(مانده/۷۴)

۳. «وَمَا يَكْفُرُ الْإِنْسَانُ لِمَا هُوَ بِشَاكِرٍ»

استغفار به زمان و مکان خاص و وضعیت ویژه ای محدود نیست، ولی در حالات و موقعیتهای مختلف زمانی و مکانی نقش ویژه خود را دارد و بیشتر مقرون به پذیرش از ناحیه خداوند است.

در مورد زمان استغفار در قرآن به شب و شب زنده داری توجه خاصی شده است و همه معنویت ها در شب بوجود آمده و می آید، چنان که شب، بستر مناسبی برای نزول فیض الهی: «و نزلنا فی لیلنا فی کتابنا و قرآننا و انزلنا فی لیلنا فی قرآننا» (قدر ۱) و برای عروج عبد: «و انزلنا فی لیلنا فی قرآننا» (اسراء/۱) است. قرآن

در آن سفارش شده ماه مبارک رمضان است. ماهی که ماه رحمت و مغفرت و برکت نام گرفته است ماهی که در آن دست و پای شیطان و مریدانش در غل و زنجیر است و درهای آسمان باز، ابواب رحمت حق گشوده و درهای جهنم بسته و دعای در آن مستجاب است.

در آیات «و انزلنا فی لیلنا فی قرآننا» (آل عمران/۱۷) و «و انزلنا فی لیلنا فی قرآننا» (ذاریات/۱۸) با صراحت سحر را برای استغفار بر می گزینند. در ظلمات شب، نور هدایت از عنایات الهی تجلی کرده و به قلب مومن شب زنده دار نورانیت می بخشد.

حج یک عمل عبادی عظیم است و آثار معنوی فراوانی دارد تا آنجا که کمترین اثر رفتن به حج و انجام

در میان ماههای سال ماه رجب به عنوان ماه استغفار و روی آوردن به خداوند برای طلب آمرزش یاد شده است و می توان این ماه را بهار مغفرت الهی نامید. همچنین مهمترین ماهی که در سال به آمرزش طلبی و استغفار

منابذکش، ریزش گناهان و شستشوی دل و جان از گناه ذکر گردیده است. این اثر در مورد بعضی از اعمال حج مثل حضور در صحرای عرفات نیز آمده است. وقتی حاجی در صحرای عرفات حاضر می گردد هنگام غروب که از آنجا به مقصد مشعر خارج می شود از گناهان خود بیرون می رود مثل روزی که متولد شده به گونه ای که هیچ گناهی بر او نیست. ولی با همه ی این برکات حج، وقتی خداوند

دستور کوچ کردن از عرفات و مشعر را می دهد بلافاصله سفارش به استغفار و طلب آمرزش می کند و می فرماید:

«ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ». (بقره/۱۹۹)

* نتیجه گیری و پیشنهادات :

پس به این نتیجه رسیدیم که مغفرت از ریشه «غفر» و به معنای سترو پوشاندن است و در اصطلاح گناهان بندگان را پوشاندن و از خطاها و گناهانشان درگذشتن. نیز استغفار به معنای آمرزش خواهی بوده و در اصطلاح یعنی درخواست آمرزش برای گناهان از پیشگاه خداوند. بیان گردید که ولایت، رحمت، حکمت، ربوبیت از صفات فعلی بودند که منجر به آمرزش گناهان می شدند. و ایمان، تقوا، توبه، انفاق از صفات فاعلی بودند که منجر به آمرزش می شدند. آثار آمرزش الهی دو دسته اند که انسان با طلب مغفرت و استغفار بسوی خداوند آنها را بدست می آورد، دسته اول مربوط به این دنیا

بوده که عبارتند از: داشتن امنیت، رفع عذاب، ریزش باران، افزایش روزی، استجاب دعا، قطع شریان شیطان. و دسته دوم مربوط به آثار اخروی است که در قیامت شامل حال انسان می گردد مثل ورود به بهشت و رهایی از عذاب جهنم. که این آثار در صورت غفران الهی حاصل خواهد شد. برخی گناهان مانع آمرزش می شوند که این موانع عبارتند از کفر، نفاق، شرک. و گفتیم که اگر آمرزش الهی نباشد و هر کس بخاطر گناهی که انجام داده کیفر و عذاب ببیند دیگر روح امید در او از بین می رود و همه ناامید و مأیوس از رحمت و مغفرت الهی می شوند منتهی این غفران الهی سبب شده تا بندگان گناهکار خداوند بعد از ارتکاب گناه اگر چنانچه پشیمان شوند و خود را اصلاح کنند گناهان آنان را ببخشد و اینکه آیات و احادیث فراوانی مردم را ترغیب به استغفار و مغفرت طلبی کرده که این دلالت بر اهمیت این موضوع می باشد. همچنین استغفار



خواهی مختص به زمان و مکان خاصی نیست بلکه مطابق آیات قرآن و احادیث ائمه (ع) بعضی زمان ها و مکان ها مقدس بوده و استغفار در آنها سفارش شده است. بنابراین به نظر

پی نوشت :

۱. العسکری، ابی هلال و جزائری، نورالدین، معجم الفروق اللغویة، موسسة نشر الاسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ه.ق، ص ۳۶۳.
۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم دارالشامیة، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ق، ص ۶۰۹.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دارصادر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ه.ج ۵، ص ۲۵.
۴. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه قم، قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۶۸۶.
۵. مبدی، ابوالفضل رشید الدین، کشف الاسرار وعده الابراز، انتشارات امیر کبیر
۶. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر،
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ص ۶۰۹.
۸. همان، ص ۵۷۴.
۹. مصطفوی، حسن، التحقیق لکلمات القرآن الکریم، وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۰ش، ج ۸، ص ۱۸۲.
۱۰. الزبیدی، محمد مرتضی، تاج الغروس، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ه.ج، ج ۱، ص ۶۸۶.
۱۱. همان، ص ۶۸۷.
۱۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰، ذیل واژه عفو
۱۳. بلاغی نجفی، محمد جواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، نیاد بعثت، قم، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق، ص ۲۵۳.
۱۴. بغدادی، علاءالدین علی بن محمد، لباب التأویل فی معانی التنزیل، دارالکتب العلمیه، بیروت، ج ۲، ص ۱۹۰.
۱۵. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۷، ص ۴۲۴.
۱۶. جعفری، یعقوب، تفسیر موثر، انتشارات هجرت، قم، چاپ اول، ج ۳، ص ۳۱۵.
۱۷. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۸، ص ۳۳۹.
۱۸. سیوطی، جلال الدین؛ الدر المنثور فی تفسیر المانور، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ج ۶، ص ۴۶.
۱۹. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۹، ص ۹۳.
۲۰. طیب، سید عبد الحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلام، ج ۴، ص ۲۰۹ و ۲۰۸.